

فرهنگ

<div><div> </div></div>
چهارشنبه ۲ خرداد ۱۴۰۴
شماره ۴۱۴۴
<div><div><div><div><div></div><div><div>FDN</div></div></div></div><div><div>www.fdn.ir</div></div></div></div>
<div> <div> </div> <div> </div> </div> <p>www.fdn.ir</p>
<div><div> </div><div> </div></div> <p>FARHIKHTEGANDAILY</p>

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فیک‌ها و سایبری‌ها این چند روز در توئیتر چه کردند؟

حماقت‌سیستماتیک

در اپوزیسیون ایران



میلاد جلیل زاده

خبرنگار گروه فرهنگ

از لحظه‌ای که خبر وقوع سانحه برای بالگرد حامل رئیس‌جمهور و جمعی دیگر از مقامات ایرانی منتشر شد و هر احتمالی درباره سرنوشت سرنشینان این پرواز از ذهن مخاطبان گذشت، چند مساله جدی و اصلی برای مردم ایران تبدیل به دغدغه شد. اول اینکه اگر اتفاقی برای رئیس‌جمهور افتاده باشد و نتواند مأموریتش را ادامه دهد، وضعیت اداره کشور به چه شکلی خواهد بود و دوم اینکه واکنش سایر کشورهای دنیا به این موضوع چگونه می‌تواند باشد. درباره سرنوشت آینده کشور حتی قبل از اینکه محل سقوط بالگرد مشخص شود، رهبر انقلاب با سخنانی به اندازه و سنجیده خیال همه را راحت کرد که اختلالی در اداره کشور پیش نخواهد آمد. بعد هم دیدیم که از هند تا لبنان برای یک چهارم جمعیت جهان عزای عمومی اعلام شد و از طالبان و دانشگاه الازهر تا سخنگوی ناتو و سخنگوی کاخ سفید، این حادثه را تسلیت گفتند.

یک مساله دیگر اما داخلی بود و به واکنش های عمومی شخصیت‌های فارسی‌زبان برمی‌گشت. چهره‌های مهم سیاسی داخل کشور از هر جناح و دسته و طیفی بدون لکت این حادثه را تسلیت گفتند و ابراز همدلی کردند اما عده‌ای از جماعتی که با عنوان برانداز شناخته می‌شوند و خیلی‌هاشان داخل کشور نیستند، از بیان هر سخن شنیعی در این باره خودداری نکردند. در شبکه اجتماعی ایکس یا همان توئیتر سابق عده‌ای آمدند و ویدئوهایی منتشر کردند از پخش شیرینی به مناسبت این رخداد یا شاد خواری و پایکوبی که البته همه مربوط به خارج از کشور می‌شد. خانم حقیوقدانی‌که برنده صلح نوبل شده بود اظهار تاسف کرد که چرا رئیس‌جمهور ایران به راحتی درگذشته و رضا پهلوی هم مطلبی نزدیک به همین مضمون را منتشر کرد.

چند ساعت قبل از اینکه خبری رسمی درباره سرنوشت سرنشینان آن بالگرد منتشر شود خیلی‌ها در داخل کشور پیشاپیش نگران این بودند که چنین رفتارهای زشت و زننده‌ای فضای روانی کشور را به هم بریزد. این به دلیل سابقه‌ای است که از رفتار این جماعت وجود دارد و پیش از این بارها همه را ششوک کرده بود. اگر مساله در سطح سیاست داخلی و بازتآب اجتماعی آن دیده شود، چنین واکنش‌هایی تا این اندازه جدی و پررنگ نیستند. پیش از این وقتی حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی درگذشت، با اینکه در داخل کشور مستنقدان و مخالفانی جدی داشت و خیلی‌هاشان در فضای مجازی اظهار نظرهای سنجیده‌ای کردند که متناسب با فضای مرتبط با روزهای ابتدایی درگذشت یک نفر نبود، در کل نمی‌شد گفت جو روانی وحشیانه‌ای از جانب مخالفان هاشمی به راه افتاده است. در مورد رئیس‌جمهور فقید هم وضع داخلی نهایتاً می‌تواند به همان شکل باشد که در مورد حجت‌الاسلام هاشمی بود اما این حجم از توحش که اکنون دیده می‌شود مربوط به رفتار عده‌ای است که به عنوان براندازان شناخته می‌شوند و غالب آنها به پایگاه طرفداران رضا پهلوی تعلق دارند.

چارسو

اقدام قانونی ترامپ علیه یک کارگردان «عنکبوت مقدس»

پس از نمایش فیلمی در جشنواره کن درباره دونالد ترامپ، کمپین رئیس‌جمهوری سابق آمریکا اعلام کرد به دلیل محتوای نادرست این فیلم، علیه این فیلم اقدام قانونی خواهد کرد. به گزارش ایسنا، پس از نمایش فیلم «کارآموز» ساخته علی عباسی در بخش مسابقه اصلی جشنواره کن که درباره زندگی دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری سابق آمریکاست و او را به عنوان یک متجاوز، به تصویر می‌کشد، استیون چونگ سخنگوی ستاد انتخاباتی ترامپ، در گفت‌وگو با ورایتی تأیید کرد که علیه این فیلم اقدام قانونی خواهند کرد و گفت: «این زیاده، تخیل محض است و دروغ‌هایی که مدت‌هاست از بین رفته است را دوباره مطرح می‌کند.» او ادامه داد: «این فیلم یک توهین مخرب است و نباید روزنهایی روز را ببیند و سزاوار سطل آشغال است. این یک دخالت هالیوودی در انتخابات آینده آمریکا و از سوی کسانی است که می‌دانند ترامپ بار دیگر صندلی کاخ سفید را پس خواهد گرفت.» فیلم کارآموز که در آن سباستین استن در نقش ترامپ را بازی می‌کند در حالی در کن روزنمایی شده که پیش از آغاز نمایش با پنیامی مبنی بر سلب مسئولیت و تخیلی بودن وقایع همراه می‌شود. این فیلم نگاهی به زندگی و حرفه دونالد ترامپ می‌اندازد که به عنوان یک تاجر املاک در نیویورک در دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ کار می‌کرد و از سوی ویکلس حمایت می‌شد. کارآموز چندان مورد استقبال منتقدان قرار نگرفته و برخی منتقدان آن را فیلمی بسیار بد با ارانه اطلاعاتی تکراری درباره دونالد ترامپ توصیف کردند، هر چند از بازیگران این فیلم تمجید کردند.

این دوپینگ اینستاگرامی تمام که شد چه می‌کنند؟

این جماعت تأثیر عملی خاصی ندارند و نمود آنها را تنها در شبکه اجتماعی ایکس یا همان توئیتر سابق و مقداری در فضای اینستاگرام می‌شود دید. آنها رویاهای مته‌مانه‌ای برای خودشان متصور شده‌اند که مطابق هیچ منطقی قابل تحقق نیست و هر قدر در رسیدن به این ناکجاآباد سرخورده‌تر می‌شوند، رفتارهایشان زننده‌تر می‌شود. به عبارتی کارهایی که می‌کنند در راستای حرکت به سمت یک مقصد معین نیست، بلکه عقده‌گشایی‌های هر روز بیشترشونده‌ای بابت سرخوردگی به دلیل نرسیدن به یک مقصد معین است.

آنچه اکنون از آنها می‌شود دیده چهره‌ای است که از بزوں ریزی یک کمپلکس بزرگ و متورم نمایان شده است. عقده‌ای هیجانی که مثل غده‌ای سرطانی هر روز سلول‌های بیشتری از پیکره ذهنی‌شان را درگیر می‌کند و هرچه جلوتر می‌روند به جای اینکه شکست‌ها یا ناکامی‌ها درس‌شان بدهد، باعث رفتارهای معوج و غیرمنطقی‌تری در آنها می‌شود که بیشتر از قبل اسباب دور شدن‌شان از دستاوردهای واقعی و عینی را فراهم می‌کند. آنها امروز فقط یک دستاویز دارند که شلوغ‌کاری‌های مجازی و انبوه‌نمایی‌های سایبری است. حس می‌کنند اگر این کار را نکنند حذف می‌شوند و اتفاقاً مشکل اصلی‌شان همین است که همه سرمایه‌شان را روی همین نوع حرکات گذاشته‌اند؛ طوری که بدون انجام آنها تصویرشان محو می‌شود.

براندازان به این توجه نمی‌کنند که اگر امروز می‌توانند در توئیتر و مقداری اینستاگرام انبوه‌تر از آن چیزی که به واقع هستند خودشان را بنمایانند، این با دوپینگ برایشان محقق شده که رسانه‌های اجتماعی آمریکایی برایشان فراهم کرده‌اند و اگر صرفاً این معادله به هم بخورد و هیچ اتفاق دیگری هم نیفتد، همگی‌شان به‌طور کل فلج و زمین‌گیر خواهند شد. اینستاگرام شدیدی‌ترین سانسورها را در مورد هر تصویر یا واژه‌ای که با گفتمان جمهوری اسلامی مرتبط باشد اجرا می‌کند و در عوض جریان‌های مقابل آزاد هستند که هرچه می‌خواهند بگویند.

توئیتر هم اگر هر جماعت دیگری اینقدر اکانت فیک ساخته بود و در محتوا تا این اندازه قوانین مسلم حقوقی درباره تهدید، توهین و نفرت پراکنی را می‌شکست برخوردی فوری بر آن جریان انجام می‌داد اما به عمد در مورد این جماعت اغماض می‌شود. چنین دوپینگ‌هایی به‌طور طبیعی نمی‌توانند تا ابد ادامه داشته باشند و وقتی که بساط‌شان جمع شد، نیروی واقعی و خودجوشی در این جماعت نیست که باعث شود بتوانند همچنان صدها برابر بیشتر از آنچه که در واقع هستند، جلوه بیرونی پیدا کنند.

ریشه‌های این رشد قارچ‌گونه

در دولت قبیل تلاش می‌شد هیچ بانفرمی که مرکز هدایت آن خارج از آمریکاست، در ایران فرآگیر نشود. مملالان ژاپنی به‌شدت فیلتر شد و با تیک‌تاک و وی چت مذاکراتی شد که کند عضویت را برای کاربران ایرانی نفرستند و در عوض در مقابل فیلتر شدن اینستاگرام تم‌قد ایستادند و آنقدر نگاه‌اشتمند مسدود شد که ایرانی‌ها در شرایط عدم دسترسی به تمام

پلتفرم‌های دیگر، به مترک‌م‌ترین کاربران اینستاگرام در جهان تبدیل شدند. چنین رفتاری مطابق با سیاست‌های کلی دولت وقت بود که می‌خواست نیاز به مذاکره با آمریکا از هر جهت تا ابد ضروری به نظر برسد و نمی‌خواست در ایران برای هیچ چیز آمریکایی، جایگزینی از هر جای دیگر دنیا، به‌خصوص کشورهای شرقی جا یفتند. این موضوع را در مورد بهانه‌تراشی برای عدم ورود واکنس چینی کرونا یا عدم فروش نفت به شورهایی که حاضر بودند خارج از چهارچوب آمریکایی‌ها با ما کار کنند و هزار و یک مساله ریز و درشت دیگر هم می‌شد دید. یکی از تبعات چنین سیاستی، رشد سرطانی و در عین حال حیاب‌رآر پدیده براندازان مجازی بود. اما پس از اتمام آن دولت هم این سیاست به‌گونه‌ای تغییر نکرد که ورق را برگرداند؛ چون عده‌ای دنبال فرصتی بودند تا به جای تلگرام و اینستاگرام و توئیتر، اپتا و روبیکا و وی‌راستی را بفروشند و متوجه نبودند که اولاً ترس از سانسور داخلی، چه بی‌راه و چه درست، دافعه‌ای در بخش بزرگی از مردم نسبت به این پلتفرم‌ها ایجاد می‌کند، ثانیاً کیفیت این پلتفرم‌ها پایین است و ثالثاً این پلتفرم‌های داخلی نیاز به ارتباط ایرانیان داخل و خارج را بر خلاف پلتفرم‌هایی نظیر آنچه در فضای ایران رایج بودند، برطرف نمی‌کردند.

هنوز کسی پیدا نشده که در مورد فضای مجازی به منافع ملی فکر کند و تلاش نداشته باشد که از این فضا طرفی برای خود ببندد و سایبری‌های برانداز در چنین فضایی است که امکان رشد پیدا کرده‌اند. این معادله ممکن است به هر نحو فرو بریزد؛ مثلاً گنگیزه رژیم زهیونستی بابت حمایت مالی از این جماعت از بین برود، نگاه آمریکایی‌ها در مورد نوع برخوردی که باید با ایران بکنند ذره‌ای متفاوت شود و در مورد اینها حداقلی از قانون پیاده شود، کسی در ایران پیدا شود که بخواهد بدون تحریک حساسیت‌های مردم ایران راجع‌به پلتفرم‌های داخلی، پلتفرم‌هایی را همه‌گیر کند که حتی اگر ایرانی نیستند، کنترل‌شان در اختیار کشورهای غربی نیست یا هر رویداد دیگری از این دست؛ که باعث فروپاشی معادله شود. هرکدام از اتفاقات که بیفتند، می‌توانند این حباب مجازی را محو کنند.

با این عقده‌ای‌های مجازی چه باید کرد؟

در کل می‌شود گفت آن رفتاری که در فضای مجازی بعد از شنیدن تلخ‌ترین خبرها راجع‌به رئیس‌جمهور ایران از جماعت برانداز دیده شد، از قبل قابل پیش‌بینی بود. آنها همیشه ناهنجار و قانون‌شکن هستند، به هیچ اخلاقیاتی پایبندی ندارند و تقریباً تمامی آنها از بیماری‌های روانی رنج می‌برند. طبعیاً بیرون داد عقده‌های روانی جماعتی که بیمار هستند، حتی اگر تعداد این افراد کم باشد، امنیت روحی باقی‌جامعه را به هم می‌ریزد اما باید توجه کرد که اولاً نمی‌توان همه را درمان یا اصلاح کرد و باید با تدبیر ملی که از سودجویی عاری است، جلوی پرتواک چنین صدا‌های ناهنجاری در باقی‌جامعه گرفته‌شود و ثانیاً مردمی که از فضای نهنجارهای متعارف انسانی و اجتماعی خارج نشده‌اند، با شنیدن چند صدای گوش‌خراش و چند رفتار ششوک‌کننده غیراخلاقی، اعتماد به‌نفس‌شان را ننوایند از دست دهند و فکر نکنند که این لشکر اوباش روانی، همه جا گرفته‌اند و تبدیل به همه‌شده‌اند.

خاطره دوبلور معروف

از رئیس‌جمهور شهید

داوود نماینده، گوینده، بازیگر و دوبلور ایرانی، درخصوص شهادت رئیس‌جمهور به تسنیم گفت: «در دیداری که ایشان از سازمان صداوسیمّا داشتند، من به یاد سفرهای سال‌های دور شهید خدمت افتادم که هنوز رئیس‌جمهور نشده بودند و به دورترین نقاط محروم کشور می‌رفتمند و با همه در کمال تواضع و بی‌ریا رفتار می‌کردند. این خاطره من برای سسی و چند سال قبل بود که سفری به روستاهایی در سیستان و بلوچستان داشتم. در آن سفر به مسجدی رفتم به نام مسجد امیرالمومنین. جوانانی به آن مسجد آمدند. به ایشان عرض کردم که آقا این جوانان با چه شکل و شمایلی عجیب به این مسجد می‌آیند. ایشان هم تأکید کردند که آقا چه اشکالی دارد. اگر ما بتوانیم در این مسجد جوانان را به آن ایده‌های باوری و ایمانی خودشان برسانیم، کاری کرده‌ایم وگرنه اگر این جوانان را نتوانستیم به سمت پاکی، عزت و حرمت، تغییر بدیم، کاری نکرده‌ایم.»

این گوینده پیشکسوت افروز: «ایشان همه‌ی مخلصانه به مردم خدمت می‌کردند و در سکوت محض خدمت به محرومان می‌کردند. روزی که به رادیو آمدند، خاطره آن سفرها را به ایشان عرض کردم و تأکید داشتم که شما همیشه به مردم محروم کمک می‌کردید و به دورترین نقاط سر می‌زدید.»

نماینده اشاره کرد: «رئیس‌جمهور شهید، بهشتی بود و خلق و خوی بهشتی داشت. ایشان به محض اینکه من زیارت‌شان کردم، خطاب به من گفت خوش صدا هم که اینجاست!»

لخت می‌شوم پس هستم!

تروریست‌های تفکر

ذات دشمنی را از

موضوعیت انداختند



ایمان عظیمی خبرنگار

پس از اعلام خبر رسمی سقوط هلی‌کوپتر رئیس‌جمهور و همراهانش در محدوده جنگل دیزمار، فضای توئیتر ملنهب شد و عده‌ای که در حوادث گذشته نیز عداوت خود باوطن‌شان را ثابت کرده بودند به شادی و لهله‌پرداختند و بانگ‌های آلوده به بخل و کینه‌باین خبر مواجه شدند. مخالفت یا حتی دشمنی با یک شخص و گروه یا سیستم مستقر کاملاً طبیعی است و نباید برای یافتن ریشه‌های آن چندان به خود زحمت داد، ولی اتفاقی که در این میان بیش از هرچیز به چشم آمد نوع مواجهه و مقابله این عده با خبر درگذشت رئیس‌جمهور و همراهانش بود. آنها در این رابطه چندگام به جلونهادند و بدون رعایت ملزومات اخلاقی، شادی خویش را با درآوردن لباس‌هایشان جشن گرفتند!محکوم کردن اعمال منفی اخلاق این جماعت به جای خود، اما بهتر است بی‌رسیم که چه فعل و انفعالی در سر این افراد صورت می‌گیرد که بدون استفاده از هیچ فیلتری، اینچنین وقیحانه به خبر درگذشت رئیس‌جمهور واکنش نشان می‌دهند؟ انسان می‌تواند از خود شرارت نشان دهد و در ضمیرش با آنچه دوست ندارد به مخالفت بپردازد، حتی آن را بی‌واهمه بیان کند و انتظار داشته باشد که کسی به وی متعرض نشود، اما باید بداند که خوشحالی او در این مواقع تنها یک راه برای تخلیه مخاطرات روحی و روانی است و هیچ منفعت دیگری در پی نخواهد داشت و بخش عکس برهنه قرار نیست گری‌های گروه‌های زندگی‌اش را با کمک از توئیتر و شخص ایلان ماسک برایش باز کند.

جامعه مدنی مدنظر این جماعت هم با اباحه‌گری یا آنچه این افراد از آن به‌عنوان بذله‌گویی و شوخ‌طبعی یاد می‌کنند نه‌تنها به سمت اوتوپیای آراسته به‌دریای مسکرات حرکت نمی‌کند بیوی‌کباب به‌شماش نمی‌رسد، بلکه با سرعتی سرسام‌آور تاملنهای عیش و عشرت رامی‌پیماید یا سر به زمین برخورد می‌کند. با نظر به تیپ‌شناسی افرادی که نسبت به خبر درگذشت رئیس‌جمهور با ذوق زدگی در فضای مجازی برده‌دهی کردند درمی‌یابیم که آنها در بزنگاه‌های سیاسی و اجتماعی در حیات تمدنی و اندی‌ساله جمهوری اسلامی چه جهت‌گیری‌هایی داشته‌اند و از پری‌انتخاب‌هایشان به دنبال چه چیزهایی می‌گشته‌اند. آنهایی که تا مدت‌ها هاریش دامن خود راه کارل پوپر، قدرت بی‌قدرتان و جنبش‌های اجتماعی خشونت‌پرهیز گره می‌زدند به جایی رسیدند که در اغتشاشات سال ۱۴۰۱ حواله دیگری راه چوبه دار می‌دادند ولی وقتی در جاهی که خودشان حفر کرده بودند فروغلیتدندن مواضع‌شان را تعدیل کردند و نظام را به رعایت اصول حقوقی و جزایی مندرج در قانون فرآخاندند! مرگ، دشمنی، دوستی و تولد، مفاهیمی ابدی و اولی‌اند و تا بوده در زندگی انسان وجود داشته‌اند، اما این شیوه از برخورد در دوران سیطره‌رسانه‌بر زندگی ما ظاهر شده و نتیجه اراده سرمایه‌داری متاخر و تحمیل آن بر زندگی مردم در کشورهای در حال توسعه است. از لویه‌ای دیگر، کسانی که در دفاع از زن، زندگی، آزادی مدعی بودند و کماکان نیز هستند، با حفظ سمت از برهنگی و شنی‌انگاری بدن زنان هم دفاع می‌کنند! این اتفاق شاید برای کسانی که با مختصات رفتار اپوزیسیون بی‌مایه و حقبر این‌روزها آشنا نیستند عجیب به نظر برسد، ولی با نظر به گذشته این جماعت، واکنش‌ها چندان دور از واقعیت نیست و آنها صرفاً بخشی از حقارت خود را از پرده کلمات و جملات آراسته به فکر و فلسفه نمایان کردند. تروریست‌های تفکر راکتنگی‌کردن بدن زنان، فکر می‌کنند گاهی رویه جلو برای تصاحب قدرت برداشته‌اند و مردم با زدودن اخلاق عرفی از زندگی‌هایشان به دامن آنها سحر خواهند خورد، و با فربه‌تر شدن یک بدنه اجتماعی ساختگی و به‌غایت جعلی در مسیر انقلاب حرکت می‌کنند، ولی از امر مبتذل، کنش و حرکت ایجاد نخواهد شد! اما این بدنه اجتماعی ساختگی چیست؟ وضعیت اقتصادی مردم ایران خوب نیست و طبیعی هم هست که بسیاری دل خوشی نسبت به شرایط نداشته باشند و هر فرد با ربط و بی‌ربطی را مقصر جلوه دهند؛ اما فضای مجازی، بالاخص توئیتر منزلگاهی برای قلم‌پراکنی و رویداد نفوذ حرف‌های درست و غلط است و با دامن زدن به اختلافات میان دولت و مردم و ضربید دادن به شکاف موجود میان این دو، ذهن عده‌ای را به تسخیر درآورد و از آنها تفکرزدایی کرده است. در واقع افرادی که دل و دین‌شان را به تکنولوژی باخته‌اند این‌طور فکر می‌کنند که همه همچون آنها می‌اندیشند و آدمی در این کره خاکی غیر از آنها وجود ندارد و هرچه هست در درون این دایره تنگ و محدود مجازی تعریف می‌شود؛ حتی عبارت سبط و گسترده‌ای به اسم مردم. این جماعت وقتی با واقعیت بیرون از فضای مجازی در کف خیابان روبرو می‌شوند به جای اینکه لحظه‌ای به فکر بیفتند، مز میان خود و غیر راکتنگ‌تر هم می‌کنند تا از این طریق به کمک ایلان ماسک، زاگربرگ و دیگر رفقایک هويت عاریتی برای خویش درست کنند. بدنه اجتماعی ساختگی درست در چنین نقطه‌ای ایجاد می‌شود ولی عرصه میدان برخلاف فضای مجازی منطقی دارد و افکار غیراصیل به شکل وسیع و همه‌جانبه توانایی یار کشیدن از آن را نخواهد داشت.

اولیور استون از مداخله آمریکا

و نقش پول در سیاست گفت

مستند «لولا» که نخستین بار در جشنواره فیلم کن دیده می‌شود، علاوه‌بر اینکه درباره رئیس‌جمهوری برزیل است، به سیاست آمریکا هم می‌پردازد و استون در آن به مقایسه مشقت‌های سیاسی لولا، که شامل تحقیقاتی برای فساد است که ۵۸۰ روز او را به زندان انداخت و اقدامات دونالد ترامپ می‌پردازد. استون می‌گوید: «اتهامات هر دو طرف انتخابات ترامپ و بایدن بسیار وحشیانه است؛ اینکه بایدن فاسد است و ترامپ فاسد است. این شکل جدیدی از جنگ شده است که اسمش را قانون می‌گذارند و من فکر می‌کنم شباهت‌های جالبی در اینجا در آمریکا و همچنین در سراسر جهان وجود دارد.» استون معتقد است رهبر برزیل، که دو دوره از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۱ رئیس‌جمهور بود، یک قهرمان است، چون میلیون‌ها نفر را از فقر نجات داد و شبکه امنیت اجتماعی برزیل را تقویت کرد و در این باره گفته است: «من روحیه جنگندگی او را دوست دارم. من عاشق این هستم که او چگونه تأکید کرده که در دولت خود فاشیست نخواهد داشت و دولت پاکی را اداره خواهد کرد.» استون گفت: «دولت آمریکا در آمریکای جنوبی سابقه بسیار بدی دارد و سال‌ها مداخله کرده است، و حتی این احتمال را زد نمی‌کند که دولت آمریکا در مرگ هوگو چاوز، رهبر ونزوئلا بر اثر سرطان در سال ۲۰۱۲ نقش داشته و در این باره گفت: «او به طرز مرموزی مرد. یک سرطان بسیار ناگهانی که به سرعت شروع شد. بسیاری از ونزوئلایی‌ها بر این باورند که آمریکا در این امر دخالت داشته است.»